



راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی

محمدرضا محمدی گودرزی^۱ | عبدالله مرادی^۲ | سعید فریدی^۳ | فریدون طالب پور^۴

چکیده

تغییرات ژئوپلیتیکی عمیق در قفقاز جنوبی تأثیر قابل توجهی بر روابط ایران و سه جمهوری ارمنستان، آذربایجان و گرجستان داشته است. موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی، این منطقه را به یکی از مهمترین مناطق در جهان تبدیل کرده است و حضور فعال بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر این رابطه تأثیر مستقیم گذاشته است. این پژوهش به دنبال تدوین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی است. در این پژوهش روش گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای (فیش‌برداری، جدول، استفاده از داده‌های آماری) و ترکیبی از منابعی چون کتاب، مجلات، فصلنامه‌ها، منابع اینترنتی، آمار، اطلاعات مربوط به سایت‌های داخلی و خارجی است. پس از بررسی و مطالعه دقیق اسناد و مدارک و مصاحبه با صاحب نظران، با بهره‌گیری از روش SWOT و QSPM راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در این منطقه از نوع رقابتی بوده و راهبردهای ج.ا.ا. پس از رتبه‌بندی بدین صورت تعیین می‌شود: (۱) دیپلماسی فعال و پویای منطقه‌ای به منظور گسترش عمق نفوذ و کاهش و تعدیل قدرت رقبا؛ (۲) بهره‌برداری از زیرساخت‌ها، توان فنی مهندسی و مراکز مطالعاتی و دانشگاهی در توسعه مسیر انتقال انرژی منطقه قفقاز جنوبی؛ (۳) توسعه قدرت رسانه‌ای به منظور معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی و ظرفیت‌های گردشگری؛ (۴) گسترش و تحکیم محور مقاومت در منطقه؛ (۵) دیپلماسی دفاعی - امنیتی کارآمد و تأکید بر همکاری دفاعی مستمر منطقه‌ای بدون حضور کشورها و قدرت‌های فرامنطقه‌ای. جایگاه رقابتی حاصل از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی برای جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران باید با تقویت بیشتر نقاط قوت بتواند از تهدیدهای محیطی جلوگیری نماید.

کلیدواژه‌ها: راهبرد، ژئوپلیتیک، محیط‌شناسی، جمهوری اسلامی ایران، قفقاز جنوبی

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

۲. استادیار روابط بین الملل دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

۴. دانشجوی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مقدمه

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران سیاسی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، دوره تحولات عظیم ژئوپلیتیک و بحران‌های ناشی از آن در منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز که همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده آغاز شده است. این منطقه نه تنها محور ارتباطی بین شمال - جنوب و غرب - شرق است بلکه در همسایگی آن، کشورهای بزرگی چون ایران، روسیه و ترکیه واقع شده‌اند. قفقاز یکی از محورهای اصلی دسترسی به دریای خزر، دریای سیاه و آسیای مرکزی است. با توجه به نقش ژئواکونومیکی، ژئواستراتژیکی و ژئوکالچرال، قفقاز را می‌توان به عنوان یک گذرگاه خشکی با گذرگاه‌های آبی چون سوئز، پاناما، مالاکا و هرمز قابل مقایسه دانست. منابع هیدروکربنی دریای خزر و عبور آن از مسیر قفقاز به بازارهای جهانی، ضمن تحکیم استقلال و حاکمیت ملی کشورهای منطقه، سلطه انحصاری روسیه بر مسیرهای عبور انرژی را در هم می‌شکند. همچنین راهروی قفقاز نقش مهمی در تنوع بخشی در تامین منابع انرژی اروپا دارد. سرمایه‌گذاری غرب در بخش نفت و گاز آذربایجان و تلاش برای عبور منابع نفت و گاز خزر در مسیر شرق به غرب با کنار گذاشتن ایران و روسیه بیانگر نگاه راهبردی اروپا و آمریکا به اهمیت منطقه قفقاز است. امروزه قفقاز یکی از مسیرهای اصلی و در حال ظهور تجارت بین قاره‌ای است. این مسیر بیشتر خشکی، ارزان‌تر از حمل و نقل هوایی و سریع‌تر از دریایی است. در این منطقه مهم و استراتژیک منافع مجموعه‌ای از کشورها و ملت‌ها با یکدیگر گره خورده است. البته بحران منطقه قفقاز یکی از پیچیده‌ترین و مهمترین مسائل در حوزه روابط بین‌الملل است. در برخی موارد نیز مناقشات مرزی شکل جدیدی به خود می‌گیرد. این در حالی است که بحران‌های موجود در منطقه امکان تاثیرگذاری بر سایر وقایع در خاورمیانه و آسیای مرکزی را فراهم می‌آورد.

نکته قابل توجه آن که مرزهای بین جمهوری‌های تشکیل دهنده اتحاد شوروی، مرزهای بین‌المللی نبودند، بنابراین این مرزها معین نشده و معاهده‌ای بین‌المللی بین این جمهوری‌ها امضاء نشده بود. به همین سبب تعیین حدود بین جمهوری‌ها بیشتر براساس تقسیمات اداری داخلی اتحاد شوروی و برآورده کردن برنامه‌های مناطق اقتصادی هیجده‌گانه‌ای بود که قفقاز جنوبی یکی از آن‌ها بود. وجود بوم بسته‌های یک جمهوری در نواحی مجاور جمهوری دیگر، خود گویای این واقعیت است و مناقشات بین دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان بر سر مسأله قره‌باغ را می‌توان

نمونه‌ای از این دست نامید. در بررسی مسائل قفقاز جنوبی نمی‌توان آن را در چارچوب یک سیستم واحد مورد ملاحظه قرار داد. از این رو، حل مناقشاتی که در این منطقه رخ داده و رخ می‌دهد، از پیچیدگی‌های ویژه‌ای برخوردار است. عرصه جغرافیایی قفقاز جنوبی از جمله حوزه‌هایی است که زمینه‌های رقابت و چانه‌زنی میان قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را شاهد بوده است و تسلط بر آن به یک محک و معیار «جهانی بودن قدرت» تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران بواسطه قرابت سرزمینی و ارتباط تاریخی با هریک از کشورهای منطقه قفقاز و اهمیت امنیت خارج نزدیک خود، حضور موثر و با دامنه گسترده‌ای را در منطقه برای خود تعریف نموده است. از دیگر سو سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اهداف خاص خود را دنبال می‌کنند و در میان آن‌ها رژیم صهیونیستی بواسطه تمایل به تعقیب سیاست‌های خصمانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران و تضعیف محور مقاومت و همچنین گسترش دامنه متحدان و همراهان خود در صحنه بین‌المللی با استفاده از فرصت نیازمندی‌های حیاتی مختلف کشورهای منطقه قفقاز به دنبال توسعه مناسبات و همکاری‌ها و تعاملات خود بویژه در حوزه دفاعی-امنیتی با هریک از کشورهای منطقه است، ترکیه نیز به عنوان رقیب سنتی جمهوری اسلامی ایران به دنبال کسب منافع حداکثری در این منطقه راهبردی است.

این پژوهش با توجه به شرایط منطقه به دنبال آرایه راهبردهای تعاملی و تقابلی متناسب با اوضاع است که عدم توجه جدی به آن‌ها می‌تواند علاوه بر تخریب مناسبات دوستانه میان همسایگان و متحدان، جرقه‌های مناقشات جدیدی را نیز موجب شود. سؤال اصلی این مقاله عبارت است از این که: «راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی کدامند؟» جهت پاسخ به این پرسش، این سوالات فرعی نیز ارائه گردیده است که: «نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی کدامند؟»، «نقاط ضعف جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی کدامند؟»، «فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی کدامند؟»، «تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی کدامند؟»

الف) پیشینه پژوهش

مطالعات مشابه انجام شده توسط محققین در سالیان اخیر در برخی ابعاد و مقوله‌ها با تحقیق حاضر اشتراک‌هایی دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

نتیجه تحقیق	سال	نویسندگان	تحقیق
موفقیت در برقراری روابط دوجانبه و منطقه‌ای با کشورهای قفقاز جنوبی، علاوه بر جلوگیری از انزوای ایران، مانع از شکل‌گیری دسته‌بندی‌های متخاصم در همسایگی ایران می‌شود. نفوذ اقتصادی ایران سبب احیای گذرگاه شمال-جنوب و شرق-غرب به یکدیگر می‌شود.	۱۳۸۹	الهه کولایی	جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی
ایران برای پیش برد اهداف خود در منطقه قفقاز باید نگرش‌های ایدئولوژیک خود در سیاست خارجی را در منطقه قفقاز بازنگری کند و با رویکردی مبتنی بر اقتصاد و تکیه بر ریشه‌های تاریخی، راهبردهای عملیاتی را تدوین نماید.	۱۳۹۹	مصطفی هاشمی ریباز قربانی نژاد کیومرث یزدان پناه محمدحسن نامی	راهبردهای منطقه‌گرایی ایران در قفقاز در برابر روسیه بر اساس تئوری بازی‌ها
حوزه‌های اصلی تهدیدزا در قفقاز جنوبی که می‌توانند خطرهایی را متوجه امنیت ملی ایران کند به این شل اولویت‌بندی شد: ۱- حوزه نظامی و امنیتی؛ ۲- حوزه اقتصادی؛ ۳- حوزه فرهنگی؛ ۴- حوزه محیط زیستی؛ ۵- حوزه سیاسی	۱۳۹۹	فتح‌الله کلانتری پیمان کاویانی فر	اولویت‌بندی تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از راه قفقاز جنوبی
چهار عامل اراده شده در این تحقیق نشان می‌دهد که سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی تدافعی بوده است. عامل‌ها عبارتند از: ۱- رفتار ایدئولوژیک یا ژئوپلیتیک ایران در قفقاز؛ ۲- راهبرد امنیتی ایران در قفقاز؛ ۳- سیاست اتحاد و ائتلاف در قفقاز جنوبی؛ ۴- نوع تعامل‌های دوجانبه ایران.	۱۳۹۷	احسان فلاحی علی امیدی	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی، تهاجمی یا تدافعی؟

بررسی پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد، موضوع بحران قفقاز در بسیاری از تحقیقات و از زوایای متفاوتی مورد پردازش قرار گرفته است. با این حال در خصوص احصا راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در این منطقه ژئوپلیتیک خلاء پژوهشی وجود دارد. بر همین اساس پژوهش حاضر جهت تبیین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی با محیط‌شناسی و بررسی عوامل چهارگانه نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات انجام شده است.

ب) روش شناسی

روش گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای (فیش‌برداری، جدول، استفاده از داده‌های آماری) و ترکیبی از منابعی چون کتاب، مجلات، فصلنامه‌ها، منابع اینترنتی، آمار، اطلاعات مربوط به سایت‌های داخلی و خارجی است.

پس از بررسی و مطالعه دقیق اسناد و مدارک و مصاحبه با صاحب نظران، با بهره‌گیری از روش SWOT و QSPM به شناسایی دقیق محیط قفقاز جنوبی و استخراج راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در این منطقه و متعاقباً رتبه‌بندی این راهبردها اقدام گردید. ماهیت تحقیق حاضر به لحاظ اجرا ترکیبی است. روش تحقیق حاضر از نظر هدف توصیفی و از لحاظ نتیجه، جزء تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

الف) ژئوپلیتیک

کولن اس‌گری^۱ در سال ۱۹۷۷ م می‌نویسد: «ژئوپلیتیک عبارتست از روابط تغییرناپذیر بین جغرافیا و قدرت راهبردی» (گری، ۱۹۸۶: ۷). نگاه وی به ژئوپلیتیک بیشتر جنبه نظامی و راهبردی دارد و ماهیت آن را رابطه بین عوامل جغرافیایی با امور نظامی و راهبردی تعیین می‌نماید. عزت‌الله عزتی تعاریف متعددی را ارائه نموده است که یک مورد آن در کتاب ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم بدین شرح است: «ژئوپلیتیک عبارت است از درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، بنحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد» (عزتی، ۱۳۸۰: ۷). به اعتقاد سائل بی‌کوهن^۲ جغرافیدان و

1. Colin S Gray

2. Saul B Cohen

ژئوپلیتیسین معاصر آمریکایی ژئوپلیتیک عبارتست از: «مطالعه کاربردی روابط فضای جغرافیایی با سیاست که تأثیر دو جانبه الگوهای فضائی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان ها مورد مطالعه قرار می‌دهد» (کوهن، ۱۹۹۴: ۱۷).

محمد رضا حافظ‌نیا معتقد است: «ژئوپلیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها بایکدیگر» (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷). که تعریف حاضر، تعریف مورد بهره‌برداری محققین در این پژوهش می‌باشد.

(ب) راهبرد

واژه راهبرد برای مدت طولانی به منظور بیان هنری که یک فرمانده در جنگ به کار می‌برد، استفاده می‌شد. بر این مبنای راهبرد فقط با عده معدودی از مردم جهان ارتباط می‌یافت، به عبارتی مفهوم راهبرد برای اولین بار در محیط نظامی تولید و در طول تاریخ به تدریج وارد قلمروهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و... شده است. تعدادی از تعاریف ارائه شده عبارتند از:

(۱) راهبرد تفکری است عقل‌گرا برای ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های کلی با موقعیت‌های فرمانطقه‌ای که قابلیت اجرای سیاست‌های کلی نظام را هموار می‌کند (عزتی، ۱۳۸۷: ۵).

(۲) جان ام کالینز^۱، راهبرد را به معنای به کارگیری قدرت ملی به منظور برآوردن مقاصد امنیت ملی تعبیر می‌کند (کالینز، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

(۳) هانتینگتون^۲ راهبرد را استفاده از درگیری برای دستیابی به اهداف جنگ می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۱۴۱).

(۴) راهبرد در مفهوم جدید علم و هنری است که برای حمایت از سیاست ملی علاوه بر قدرت نظامی، سایر عوامل قدرت ملی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را متناسب با شرایط ژئوپلیتیکی کشور برای نیل به اهداف ملی با استفاده از روش‌های علمی و منطقی با هم تلفیق، هماهنگ و به کار می‌گیرد (تهامی، ۱۳۷۶: ۱۵۲). محققین این تعریف را در طول پژوهش مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند.

1. John M. Collins
2. Samuel Huntington

محیط‌شناسی منطقه

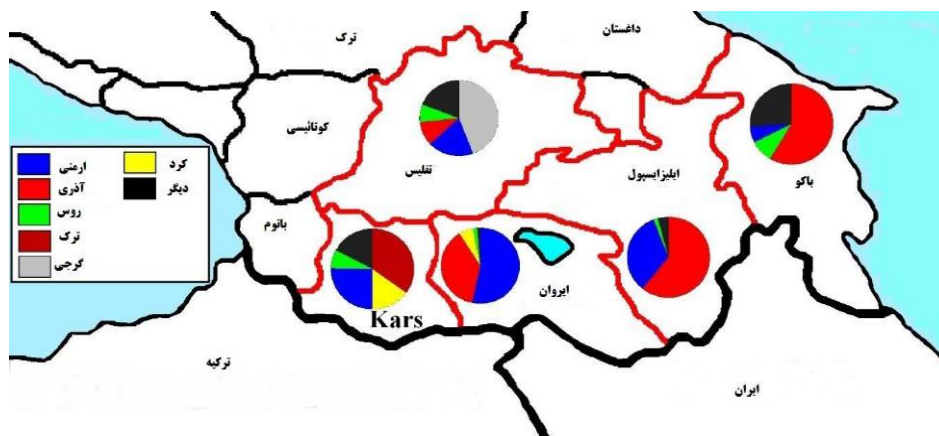
معرفی محدوده مورد مطالعه

منظور از قفقاز سرزمین کوهستانی است که مابین دریای سیاه و بحر خزر محصور است و از شمال به مرزهای سرد روسیه جنوبی و از جنوب به فلات‌های ایران و آناتولی محدود می‌شود. این منطقه توسط کوه‌های قفقاز کبیر به دو منطقه جداگانه تقسیم شده است (کاظم زاده، ۱۳۷۴: ۱۶).



نقشه - ۱: ساختار سیاسی منطقه قفقاز (<http://www.etomesto.ru>)

قفقاز جنوبی از شمال به رشته‌کوه‌های قفقاز بزرگ، از شرق به دریای مازندران، از جنوب به ایران، از جنوب غربی به ترکیه و از غرب به دریای سیاه متصل می‌گردد. قفقاز جنوبی در حال حاضر به سه جمهوری مستقل به نام‌های آذربایجان در جنوب شرقی و شرق، ارمنستان در جنوب غربی و جنوب و گرجستان در شمال غربی و غرب آن، تقسیم شده است. قفقاز جنوبی شامل سه دولت مستقل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان که در خود این دولت‌ها تقسیم‌بندی‌های قومی متعددی وجود دارد. (موسوی، ۱۳۸۴: ۲۳). در این منطقه حدود ۵۰ گروه قومی از سه خانواده قفقاز (ایبر قفقاز) هندواروپایی و آلتایی زندگی می‌کنند (سیف زاده، ۱۳۷۸: ۸۷).



نقشه - ۲: ساختار قومیتی قفقاز جنوبی منبع (<http://www.etomesto.rug>)

این منطقه حساس جهانی محل تلاقی اسلام و مسیحیت بوده است. تاریخ قفقاز به جز در دوره‌های کوتاه که از صلح نسبی برخوردار بوده در دیگر مواقع شاهد درگیری و نزاع میان اقوام و امپراتوران مختلف بوده است. همه این جنگ‌ها به نوعی ریشه در موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قفقاز داشته است (آبادیان، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

جمهوری‌های بازمانده، پس از استقلال با تهدیدهای گوناگون داخلی و خارجی روبه‌رو شدند دشواری‌های فرایند ملت‌سازی، دولت‌سازی، انتقال از اقتصادهای دستوری به اقتصاد آزاد، مشکلات زیست محیطی، بحران‌های اجتماعی و سیاسی و اختلاف‌های ارضی و مرزی تنها جلوه‌هایی از بی‌ثباتی و ناآرامی در این منطقه هستند. از سوی دیگر، واحدهایی خودمختار در قالب مناطق خودمختار در قفقاز جنوبی شکل گرفته‌اند که برخی از آن‌ها ظرفیت تهدیدزایی علیه ایران دارند. تبادل ارضی در چارچوب طرح گوبل از این تهدیدها است. بحران قومی ناگورنو قره باغ، جمهوری خودمختار آذری به نام نخجوان، جدایی میان قوم اوستی در دو مجموعه اوسیتیای شمالی در روسیه و اوسیتیای جنوبی در جمهوری گرجستان از مهم‌ترین مناطق خودمختار هستند. علاوه بر مسئله روابط سرزمینی و مرزی در چارچوب برنامه‌های تجزیه‌کننده‌ای مانند طرح گوبل، مسئله انتقال انرژی، حرکت‌های قومی علیه مناطق آذری‌نشین و روی گرداندن وفاداری جوانان از هویت ملی از پویش‌های تهدیدزایی است که از ناحیه قفقاز جنوبی علیه ایران شکل گرفته است.

بررسی عوامل موثر منطقه‌ای

الف) مقایسه عوامل موثر در تشکیل قدرت ملی کشورهای قفقاز

مساحت

همان‌گونه که در جدول (۱) دیده می‌شود آذربایجان بزرگ‌ترین و ارمنستان کوچک‌ترین کشور قفقاز هستند. مجموع مساحت سه کشور ۱۸۶,۱۰۰ کیلومتر مربع که آذربایجان ۴۶/۵ درصد آن را تشکیل می‌دهند. در میان سه کشور نیز آذربایجان حدود سه برابر ارمنستان و ۱/۲۵ برابر گرجستان وسعت دارد و گرجستان نیز ۲/۳ برابر ارمنستان وسعت دارد. البته مساحت یک کشور به تنهایی نمی‌تواند تاثیر مثبتی بر قدرت ملی داشته باشد و عواملی چون شکل، توپوگرافی، اندازه و نحوه پراکنش جمعیت، منابع و بسیاری مسایل دیگر نیز در آن موثر هستند (بختیاری، ۱۳۹۳: ۲۵).

جدول (۱): مقایسه عوامل سرزمینی (افشردی، ۱۳۹۵: ۱۱)

ردیف	شاخص	آذربایجان	ارمنستان	گرجستان
۱	مساحت (کیلومتر مربع)	۸۶,۶۰۰	۲۹,۸۰۰	۶۹,۷۰۰
۲	طول مرزهای خشکی (ک.م)	۲۱۷۳	۱۲۳۴	۱۴۶۱
۳	طول سواحل (ک)	۸۲۵ (دریای خزر)	-	۳۱۰ (دریای سیاه)
۴	دسترسی به آب‌های آزاد	از طریق ولگا دن	ندارد	از طریق دریای سیاه
۵	موقعیت ژئوپلیتیکی	محصور در خشکی دارای منابع انرژی	محصور در خشکی محصور در میان رقبا و دشمنان	دارای موقعیت ساحل و گذرگاهی ۲/۸ سواحل از کنترل دولت مرکزی پس از جنگ ۲۰۰۸ خارج می‌باشد
۶	شکل کشور	چند پهلو و نامناسب	کشیده با عرض کم و نامناسب	نسبتاً مناسب
۷	توپوگرافی	مناطق پست ۵۰٪، از ۴۰۰ تا ۱۵۰۰ متر ۴۰٪ و بالاتر از آن ۱۰٪	کوهستانی با متوسط ارتفاع ۱۸۸ متر - پست ترین نقطه ۴۰۰ متر	بیشتر مناطق کوهستانی و دو ارتفاع در شمال و جنوب و یک جلگه در وسط قرار دارد
۸	امنیت طبیعی	ضعیف	ضعیف	نسبتاً مناسب
۹	عمق راهبردی	مناسب	ضعیف	مناسب

طول مرزهای خشکی

در میان سه کشور قفقاز طول مرزهای آذربایجان از دو کشور دیگر بیش تر است و علت آن صرفاً مربوط به وسعت بیش تر کشور نیست بلکه شکل نامنظم و چندضلعی آذربایجان که بر اثر تقسیم نامناسب سرزمین قفقاز بین سه کشور بوجود آمده باعث طولانی شدن مرزها و آسیب پذیر شدن این کشور شده است. آذربایجان از طریق خشکی با چهار کشور روسیه، ایران، ارمنستان و گرجستان و از طریق نخجوان نیز با کشور ترکیه امکان برقراری ارتباط را دارد. از طریق دریای خزر نیز ضمن ارتباط با روسیه و ایران، امکان ارتباط با دو کشور ترکمنستان و قزاقستان را دارد. جمهوری ارمنستان با کشورهای آذربایجان، ایران، ترکیه و گرجستان هم مرز است. گرجستان نیز با روسیه، آذربایجان، ارمنستان، ترکیه از طریق خشکی هم مرز است و از طریق سواحل دریای سیاه نیز امکان ارتباط با کشورهای بلغارستان، رومانی، اوکراین و جهان خارج را دارد. ضمناً آذربایجان با ارمنستان و گرجستان و همچنین گرجستان با جمهوری آذربایجان و ارمنستان دارای اختلافات مرزی می‌باشند (ماهریان، ۱۳۸۷: ۳).

طول سواحل

آذربایجان در کنار دریای خزر دارای ۸۲۵ کیلومتر ساحل است اما ارتباط آن با آب‌های آزاد صرفاً از طریق روسیه ممکن است. گرجستان در کنار دریای سیاه دارای ۳۱۵ کیلومتر ساحل است که حدود دو سوم آن از کنترل دولت مرکزی خارج است اما همان مقدار باقیمانده نیز امکان ارتباط گرجستان را با جهان خارج فراهم می‌کند و ارمنستان هیچ مرز آبی نداشته و در خشکی محصور است.

دسترسی به آب های آزاد

از میان کشورهای قفقاز، گرجستان از طریق دریای سیاه با آب‌های آزاد ارتباط دارد و دو کشور دیگر قفقاز جنوبی جزء کشورهای محصور در خشکی محسوب می‌شوند (امیراحمدیان، ۱۳۸۱: ۲۲).

موقعیت ژئوپلیتیکی

آذربایجان به علت دارا بودن منابع نفت و گاز دارای اهمیت ژئوپلیتیکی ویژه بوده و مورد توجه غرب قرار گرفته است. ارمنستان کاملاً در خشکی محصور است و دو کشور همسایه (آذربایجان و ترکیه) روابط غیردوستانه‌ای با ارمنستان دارند. گرجستان به جهت قرار گرفتن در مسیر ارتباط بازار مصرف انرژی آذربایجان و هم‌چنین دروازه ورود غرب به قفقاز و آسیای مرکزی، دارای ویژگی گذرگاهی شده و امید دارد این مزیت ژئوپلیتیکی تا حدی به رونق کشور کمک کند. هم‌چنین در سال‌های اخیر ارمنستان از طریق جاده لاری در خاک گرجستان با روسیه ارتباط زمینی برقرار کرده است (افشردی، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۵).

موقعیت ژئوپلیتیکی

تعداد جمعیت آذربایجان سه برابر ارمنستان و بیش از ۲ برابر گرجستان است و ارمنستان در میان سه کشور قفقاز کمترین جمعیت را دارد. از جهت ترکیب سنی آذربایجان دارای جوان‌ترین جمعیت است و ارمنستان و گرجستان در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. در کشور آذربایجان با وجود این که میزان تولد حدوداً دو برابر میزان فوت است اما مهاجرت فراوان از کشور باعث شده تا رشد جمعیت پایین بماند. در ارمنستان میزان تولد اندکی از میزان فوت بالاتر است و مهاجرت از کشور باعث رشد منفی مجموع جمعیتی شده است. در گرجستان هم رشد طبیعی خیلی پایین است و هم مهاجرت جمعیت وجود دارد و لذا میزان رشد جمعیت ۰/۸ درصد کل جمعیت در سال ۲۰۱۵ میلادی قید شده است. ضمناً به علت این که در مهاجرت‌های انسانی عمدتاً مردان جامعه برای یافتن کار از کشور خارج می‌شوند ترکیب جنسی جمعیت بیش‌تر به طرف زنان دیده می‌شود. از جهت میزان مرگ و میر کودکان و امید به زندگی گرجستان در بهترین وضع قرار دارد و ارمنستان و آذربایجان در مراحل بعدی هستند. جمعیت بالاتر و رشد مثبت آن در آذربایجان در ابعاد راهبردی، برتری قابل توجهی را برای این کشور به خصوص نسبت به ارمنستان که با آن در حال مخاصمه به سر می‌برد فراهم می‌نماید. هم‌چنین جمعیت ساکن در مناطق مرزی گرجستان با آذربایجان، بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مرزنشینان گرجستان آذری زبان و ۲۸۰ هزار نفر ارمنی در جوار مرز ارمنستان با گرجستان می‌باشند که از نظر شاخص‌های توسعه نسبت به سایر مناطق

گرجستان از سطح پایین‌تری بهره‌مند است که در دراز مدت باعث نارضایتی از دولت مرکزی خواهد شد.

درجه تجانس و وحدت ملی

از جهت یکپارچگی قومی و مذهبی در میان کشورهای سه‌گانه قفقاز، ارمنستان با دارا بودن بیش از ۹۳ درصد جمعیت ارمنی (با خروج آذری‌ها طی سال‌های اخیر این آمار به حدود ۹۷/۷ درصد رسیده است) دارای بالاترین میزان تجانس در کشور است و کمترین میزان از اقلیت‌ها در آن دیده می‌شود و به همین جهت مشکلات قومی و مذهبی و جریان‌ات جدایی‌طلب یا مخالفان کمتر در این کشور دیده می‌شود.

آذربایجان از این جهت در مرتبه بعد قرار دارد و با دارا بودن ۹۱/۶ درصد جمعیت آذری حدود ۸/۴ درصد جمعیت خود را به اقلیت‌های قومی اختصاص داده است. این مقدار هر چند زیاد به نظر نمی‌رسد اما این اقلیت‌ها همچون ارمنه قره باغ، تالشی‌ها و تا حدودی لزگی‌ها دارای آرمان‌های جدایی‌طلبانه هستند و از میان آن‌ها ارمنه قره باغ در تلاش برای جدایی از آذربایجان (الحاق به ارمنستان و یا استقلال) هستند.

گرجستان از جهت درجه تجانس و وحدت ملی، نامناسب‌ترین وضع را در میان کشورهای قفقاز دارد. در آمارهای موجود با این که برخی اقلیت‌های قومی همچون آجارها جزء گرجی‌ها ذکر شده‌اند و در آمارگیری‌ها نیز اصرار بر فراوان نشان دادن گرجی‌ها بوده با این حال آمارهای دولتی میزان گرجی‌های کشور را ۸۳/۸ درصد نشان می‌دهند. آبخازها، اوست‌ها و آجارها اقلیت‌های عمده هستند که طی سالیان استقلال کشور سر به شورش برداشته و به خصوص دو اقلیت اول به شدت با دولت مرکزی درگیر شده و عملاً سرزمین خود را از دولت مرکزی جدا ساخته‌اند. به طوری که روسیه استقلال آنها را به رسمیت شناخته است. اقلیت‌های عمده‌ای چون آذری‌ها و ارمنه نیز به طور بالقوه انگیزه و توان تحرک و تجزیه‌طلبی را دارند اما تاکنون چنین تحرکی را از خود بروز نداده‌اند (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۴۳).

رفاه اجتماعی

آمارها وضعیت سه کشور قفقاز از جهت رفاه اجتماعی را تقریباً هم سطح نشان می‌دهد اما عملاً طی سال‌های اخیر با شروع استخراج و صادرات نفت و گاز توسط آذربایجان و بروز مشکلات حاد اقتصادی در گرجستان و ارمنستان، نسبت به دو همسایه قفقازی ارتقا یافته است. البته تا قبل از این ارمنستان و گرجستان از جهت شاخص‌های رفاه اجتماعی، ترکیب جمعیت شهری و میزان با سواد در سطح بالاتری نسبت به آذربایجان قرار داشته‌اند (UNDP; Human Development Report:2014).

نوع حکومت

در هر سه کشور قفقاز جنوبی، پس از استقلال، نوع حکومت را جمهوری اعلام کردند و رئیس جمهوری‌های هر سه کشور برای مدت پنج سال با آرای مستقیم مردم انتخاب می‌شود. پایتخت کشورهای قفقاز جنوبی شهرهایی باستانی هستند که از قرن‌ها قبل حالت مرکزیت را در منطقه خود دارا بوده‌اند. باکو پایتخت آذربایجان بر ساحل دریای خزر بنا شده و در صورتی که مشکلاتی با سایر کشورهای ساحلی این دریا برای آذربایجان بروز کند دچار تهدیدات عمده‌ای خواهد شد در حال حاضر نیز به دلیل سطح بسیار پایین این شهر و تمرکز فعالیت‌های نفتی در سواحل باکو و همجواری با شهر صنعتی سومگائیت دارای معضلات زیست محیطی بزرگی می‌باشد. ایروان پایتخت ارمنستان به تنهایی حدود یک سوم جمعیت کشور را در خود جای داده و از جهت مکانی در حاشیه دشت کم عرض متصل به ترکیه قرار دارد و با فاصله ۲۵ کیلومتری از مرز ترکیه طی سال‌های اخیر همواره از جانب آن همسایه احساس تهدید نموده است. تفلیس پایتخت گرجستان نیز هرچند از جهت جغرافیایی نسبتاً در مناسب‌ترین مکان در مرکز کشور قرار گرفته اما با توجه به تحرکات جدایی طلبانه اوست‌های ساکن در اوسیتای جنوبی که تنها حدود ۴۰ کیلومتر با تفلیس فاصله دارند دچار ناامنی‌هایی شده و احساس امنیت کامل در آن وجود ندارد (افشردی، ۱۳۹۵: ۱۵).

ثبات سیاسی و مشروعیت حاکمیت

کشور ارمنستان با توجه به یکپارچگی نسبی ملی دارای بالاترین حد ثبات در کشور و همچنین مشروعیت مناسب در میان مردم است. این عوامل باعث شده تا امنیت داخلی این کشور نیز در

سطح مناسبی قرار داشته باشد. دولت آذربایجان به علت از دست دادن قره باغ و مناطق پیرامونی آن و آوارگی بیش از ۸۰۰ هزار نفر از مردم، عدم حل مشکلات مردم و انجام تخلفات فراوان در انتخابات‌ها و داشتن فساد اداری و اقتصادی از جهت مشروعیت ضعیف ارزیابی می‌شود، لیکن دولت حاکم با تسلطی که بر اوضاع کشور دارد ثبات کشور در حد متوسط است و کشور از امنیت برخوردار است که عمدتاً مرهون یکپارچگی جمعیت در بخش‌های مرکزی و تسلط سیستم امنیتی بر اوضاع کشور است. گرجستان به دلیل درگیری‌های قومی چندین ساله و جدایی برخی سرزمین‌ها، عدم وجود منابع اقتصادی عمده، فشارهای روسیه و عدم تسلط سیستم‌های دفاعی و امنیتی بر اوضاع کشور باعث شده تا مشروعیت حاکمیت، ثبات سیاسی و امنیت داخلی کشور در خود ضعیفی ارزیابی شود و نشانه‌ای از ناامنی هر از چند گاه به شکل تظاهرات، درگیری، ترور، آدم‌ربایی و ناامنی‌های عمده در مرکز و پیرامون آن دیده می‌شود. بطوری که دو منطقه خودمختار آبخازیا و اوستیای جنوبی در درگیری بین نیروهای گرجستان با ارتش روسیه اعلام استقلال کرده چندین کشور از جمله روسیه، ونزوئلا و نیکاراگوا نیز آن‌ها را به رسمیت شناخته است (کتاب سبز، آذربایجان، ارمنستان، ۱۳۸۹: ۲۰۹-۲۰۵).

بازیگران مطرح منطقه‌ای در منطقه قفقاز جنوبی:

جمهوری اسلامی ایران:

روابط تاریخی و فرهنگی ایران با قفقاز در اعماق قرون گذشته ریشه دارد. امروز ایران با کنترل بر بخش عظیمی از منابع جهانی و موقعیت ژئواستراتژیک، ژئو اکونومیک، ژئو کالچرال مناسب، نه تنها امکان رقابت فعال با روسیه و دیگر کشورهای قفقاز جنوبی را برخوردار است بلکه می‌تواند کشورهای مستقل نوپای منطقه را به همگرایی و همسویی با خود جلب کند. ایران در بین کشورهای حاشیه دریای خزر تنها کشوری است که دسترسی مستقیم به اقیانوس هند دارد و این امر باعث برتری در عرصه انتقال انرژی منطقه در مقایسه با دیگر رقبا از جمله ترکیه و روسیه می‌شود. ایران همچنین طولانی‌ترین مرز را در خلیج فارس و دریای عمان دارد و مناسب‌ترین مسیر به دریای آزاد و تنها مسیر خشکی به جهان عرب را دارا است. ایران در سایه موقعیت ژئوپلیتیک مناسب در نظر ارمنستان که تحت محاصره قرار دارد و دیگر کشورهای قفقاز جنوبی که دنبال

اتصال به بازارهای جهانی هستند از اهمیت زیادی برخوردار است. کشورهای اروپایی اصلی‌ترین منبع واردات ایران است و در این بین کشورهای قفقاز جنوبی می‌توانند به عنوان مسیرهای جایگزین جدید به سوی اروپا مورد استفاده قرار گیرند.

قفقاز جنوبی یکی از اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. چندین عامل بر منافع ایران در این منطقه اثرگذار است: تاریخ مشترک، نزدیکی جغرافیایی، روابط دوجانبه به بازار بالقوه برای فروش کالا و فناوری ایران، وجود منابع نفت و دیگر مواد معدنی مفید در منطقه، مسیرهایی که راه‌های مهم ارتباطی و حمل و نقل از آنها عبور می‌کنند. ایران در تلاش است تا جایگاه خود را در محدوده سیاسی و اقتصادی قفقاز جنوبی پیدا کرده و در این رابطه سیاست خارجی فعالی را در منطقه اعمال کند. به طور کلی می‌توان اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه قفقاز جنوبی را بدین ترتیب تبیین کرد:

- مدیریت حل بحران‌های منطقه‌ای و کمک به حل بحران قره باغ و تاکید بر صلح و ثبات در منطقه؛
- تلاش برای تعیین رژیم حقوقی مناسب برای دریای خزر؛
- ایجاد مانع برای جلوگیری از تقویت شکل‌بندی‌های سیاسی، امنیتی در مخالفت با ایران؛
- حفظ و توسعه روابط دوستانه با روسیه با توجه به منافع دو جانبه؛
- تقویت و توسعه روابط سیاسی و تاکید بر همکاری منطقه‌ای؛
- استفاده از موقعیت ترانزیتی ایران جهت گسترش روابط سیاسی با کشورهای منطقه؛
- جلوگیری از دست‌اندازی دیگران به منافع نفت کشور در حوزه دریای خزر؛
- استفاده از منابع آب دریای خزر و مسائل وابسته آن مثل منابع داخل و بستر اعم از ماهی‌های خاویاری و سایر منابع؛
- استفاده از بازارهای منطقه جهت فروش کالاهای ایرانی به ویژه مواد مصرفی و انتقال صادرات کالای ایران به اروپا؛

- تلاش برای توسعه میادین نفت و گاز؛
- واقع شدن به عنوان بازار تولیدات کشورهای قفقاز از جمله در بخش انرژی مثل معاوضه انرژی؛
- توسعه تجارت و همکاری‌های اقتصادی و تجاری سرمایه‌گذاری در منابع نفتی همکاری در بخش انرژی و سایر بخش‌ها و تقویت سازمان‌های منطقه‌ای از جمله اکو؛
- افزایش نقش جغرافیایی اقتصاد ایران در شبکه ترانزیتی و ارتباطی قلب اروپا و آسیا و خلیج فارس؛
- حضور و نفوذ در بین جمعیت‌های مسلمان منطقه از جمله در جمهوری آذربایجان با استفاده از اشتراکات دینی و مذهبی؛
- تلاش برای حضور فرهنگی در قفقاز با استفاده از اشتراکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی؛
- گسترش فرهنگ اسلامی و ایرانی در منطقه؛
- ملاحظات راهبردی ایران پیرامون تهدیدات امنیت ملی ناشی از حضور نظامی قدرت‌ها مخالفت ایران با نظامی‌گری دریای خزر و کل منطقه؛
- برقراری موازنه قوا. (ابراهیمی کیایی و زارعی، ۱۳۹۹: ۱۳۵)

روسیه

روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در حدود یک دهه سیاست درون‌گرایی و مداخله نکردن در محیط بیرونی را به کار گرفت، اما پس از به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین، کدهای ژئوپلیتیکی روسیه دوباره تقویت شد و به تقریب در ادامه سیاست اتحاد شوروی، بازتولید و در دستور کار قرار گرفت. اهمیت فزاینده دریای خزر، مسائل ژئواکونومیک آن و نیز سرمایه‌گذاری و حضور فزاینده قدرت‌های غربی در کشورهای نواستقلال، روسیه را بر آن داشت تا برای حضور در محیط بیرونی فعالیت خود را آغاز کند. به این ترتب، سیاست اوراسیایی‌گرایی

روسیه تقویت شد و این کشور برای نفوذ در کشورهای پیرامونی خود، حضور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را هدف قرار داد. منطقه قفقاز، از محیط‌های پیرامونی یا به اصطلاح «خارج نزدیک» روسیه به شمار می‌رود. روسیه برای حفظ حوزه نفوذ خود در برابر غرب و به ویژه سیاست‌های آمریکا، مداخله مستقیم و غیرمستقیم در این منطقه را دنبال کرده است. نیاز روزافزون کشورهای این منطقه به فروش و انتقال انرژی و یافتن بازار مناسب برای آن، فضا را برای حضور روسیه در این مناطق هموار کرده است. اما سرمایه‌گذاری‌های جذاب‌تر از سوی رقیبان روسیه، مانند اتحادیه اروپا و آمریکا و نیز وابستگی روسیه به فروش منابع انرژی خود، از چالش‌هایی است که سیاست خارجی این کشور را در قفقاز جنوبی آسیب‌پذیر کرده است.

به طور کلی اهداف اصلی روسیه در منطقه قفقاز جنوبی عبارتند از:

- تثبیت حضور و نفوذ نظامی امنیتی در قفقاز جنوبی؛
- فروش تسلیحات جدید به کشورهای منطقه؛
- افزایش موقعیت نظامی در منطقه قفقاز؛
- تمدید استقرار نیروهای روسی در پایگاه‌های ارمنستان؛
- تسلط بر مناطق مرزی ارمنستان و تثبیت موقعیت نیروهای روس‌گرا در منطقه؛
- ایجاد پایگاه نظامی جدید در منطقه قره باغ. (هادی‌پور، ۱۳۹۹: ۶۵۰)

ترکیه

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ترکیه در رقابت با روسیه و ایران به دنبال نفوذ در منطقه قفقاز به خصوص آذربایجان بوده است. جنگ بین آذربایجان - ارمنستان، تضاد بین ترکیه - روسیه و رقابت ترکیه با ایران و نیز نامناسب بودن وضعیت اقتصادی این کشور، از مهمترین مشکلات بنیادین این کشور برای نفوذ در منطقه است. در حال حاضر ترکیه به دنبال آن نیست که جانشین روسیه در منطقه شود بلکه علاقه ترکیه در حال حاضر به گسترش روابط اقتصادی، فرهنگی و علمی با این دولت‌ها است. اولویت‌های اعلام شده ترکیه در منطقه قفقاز به تقویت استقلال، توسعه روابط بر مبنای برابری و کنار گذاشتن رویکرد احساساتی اوایل دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد. با افول گفتمان کمالیستی و پیروزی اسلام‌گرایان، خط و مشی سیاست خارجی ترکیه تغییرات بنیادینی را شاهد بوده است. جاه‌طلبی‌های بلند پروازانه آنکارا برخلاف گذشته این کشور را نه به

عنوان پل ارتباطی شرق و غرب، بلکه کشوری مرکزی در میان مناطقی استراتژیک نظیر قفقاز و آسیای مرکزی، بالکان و خاورمیانه در نظر دارد. دکترین نوعثمانی گری حاکم بر سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه به دنبال بسط نفوذ این کشور در مناطق پیرامونی و ادغام با این جوامع با هدف کسب اهمیت استراتژیک جهانی برای ترکیه است. (یزدانی و خیری، ۱۳۹۶: ۱۳۶)

اهداف و تمایلات اصلی ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی عبارتند از:

- ایجاد پایگاه نظامی مستقل در خاک جمهوری آذربایجان یا نخجوان؛
- تغییر بافت جمعیتی و فرهنگی منطقه قفقاز به نفع خود با اعزام سلفی‌ها؛
- تحقق راهبرد شرقی در اتصال به حوزه کشورهای ترک زبان؛
- تشویق و حمایت از گروه‌های تجزیه طلب قومی پان ترک؛
- معرفی خود به عنوان بازیگر جهانی؛
- مدعی جایگاه خاص و ممتاز در ناتو؛
- انتقال گاز طبیعی از قفقاز و از آسیای مرکزی از طریق مسیرهای ترانزیتی؛
- هدایت آذربایجان برای فاصله گرفتن حداکثری از روسیه و ایران؛
- تضعیف موقعیت ارمنستان و فشار حداکثری به آن؛
- بهره‌مندی از منافع اقتصادی ناشی از فروش تسلیحات. (کمالی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۱)

رژیم صهیونیستی

بر اساس منابع تاریخی، ساکنان آذربایجان و یهودیان اشکنازی در آذربایجان برای قرن‌ها در کنار هم می‌زیستند. یهودیان در قرن نوزدهم تحت حکمرانی روسیه شروع به مهاجرت به آذربایجان کردند. در این راستا نخستین شعبه دوستداران یهود در سال ۱۸۹۱ در باکو تاسیس شد. در سال ۱۹۱۰ اولین کنیسه یهودیان توسط گروهی در شهر باکو افتتاح شد. در کنار فعالیت‌های مذهبی، گروه‌های یهودی فعالیت اقتصادی خود را در آذربایجان گسترش دادند. به طوری که در سال ۱۹۸۳ شرکت‌های نفت متعلق به خانواده روتچیلد وارد صحنه اقتصادی باکو شدند.

رژیم صهیونیستی، رژیمی با جمعیت محدود مهاجر از بدو تاسیس تا امروز مشکلات زیادی را برای کشورهای منطقه داشته است. عدم پذیرش آن از سوی کشورهای منطقه و جنگ‌های متعدد با آنان نشان بارزی از اختلاف اساسی بین آنهاست و از همین رو

اولویت اصلی رهبران رژیم صهیونیستی، خروج از انزوای سیاسی و دیپلماتیک بوده است و در مرحله بعد ائتلاف منطقه‌ای در دستور کار آنان قرار داشته است. برای خروج از انزوای منطقه‌ای، سیاست دکترین پیرامونی توسط دیوید بن گوریون و دیگر سیاست-مداران اسرائیلی طراحی و اجرا شده است. بر اساس این دکترین اسرائیل می‌بایست با کشورهای غیرعرب که به لحاظ جغرافیایی نزدیک به آن هستند روابط مستحکم و دوستانه در عالی‌ترین سطوح برقرار کند تا در مقابله با خطر دولت‌های عربی، موازنه قدرت حاصل شود. این طرح در ابتدا کشورهایی مانند ایران، ترکیه، اتیوپی و... را شامل می‌شد.

در میان کشورهای اسلامی آذربایجان نزدیکترین همکاری را با رژیم صهیونیستی دارد. به گونه‌ای که حتی پس از سردی روابط آنکارا و تل‌آویو، این روابط با قوت ادامه پیدا کرد. اسرائیل و آذربایجان در آوریل ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک برقرار کردند و در سال ۱۹۹۳ اسرائیل سفارت خود را در باکو افتتاح کرد. از آن زمان تاکنون، روابط گسترش و تعمیق یافته است. رژیم صهیونیستی و ارمنستان نیز از سال ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک خود را شروع کرده‌اند. ارمنستان بدون سر و صدا سفارتخانه خود را در تل‌آویو افتتاح کرد. اما دو هفته بعد دولت ایروان سفیر خود را از اسرائیل فراخواند. (کمالی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۲-۲۰۳)

رژیم صهیونیستی بواسطه اهداف و انگیزه‌های ذیل تلاش کرد تا در منطقه نفوذ بیشتری داشته باشد:

- ترس از دستیابی دشمنان رژیم صهیونیستی در خاورمیانه به سلاح‌ها و فناوری هسته‌ای؛
- سرنوشت یهودیان منطقه آسیای مرکزی و قفقاز؛
- ترویج تفکرات صهیونیستی؛

- توسعه پیوندهای اقتصادی با هدف توسعه روابط سیاسی و افزایش عمق استراتژیک در منطقه؛
- تلاش برای جلب همکاری جمهوری‌های منطقه در مجامع بین‌المللی؛
- تحکیم بیشتر روابط با آمریکا از طریق تحکیم پیوند با کشورهای منطقه قفقازی (ابراهیمی کیایی و زارعی، ۱۳۹۹: ۱۳۷)

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق:

در این مرحله، محیط قفقاز بررسی می‌شود؛ عوامل داخلی و خارجی برای شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها بررسی و براساس آنها راهبردهای جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود.

ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE)

پس از شناسایی عوامل داخلی، نقاط قوت و ضعف جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌شود (بین ۱۰ تا ۲۰ عامل)؛ نخست نقاط قوت و سپس نقاط ضعف نگاشته می‌شود. وزن: در ماتریس براساس نظر خبرگان به هر یک از عوامل بر حسب اهمیت، نمره وزنی بین ۰ (بی‌اهمیت) تا ۱ (بسیار مهم) اختصاص داده می‌شود. مجموع وزن‌های کلیه عوامل باید برابر یک گردد.

امتیاز عامل: وضع موجود هر عامل با امتیازی بین ۱ تا ۴ مشخص می‌شود.

تذکره: نقاط ضعف فقط امتیاز ۱ یا ۲ را دریافت می‌نماید و نقاط قوت فقط نمرات ۳ و ۴ را به خود اختصاص می‌دهد؛ به این صورت که خیلی قوی = ۴، قوی = ۳، ضعیف = ۲ و خیلی ضعیف = ۱ است.

امتیاز وزنی (موزون): بدین منظور امتیاز هر ردیف از عوامل در وزن استاندارد شده آن ضرب می‌گردد. جمع امتیازات موزون حداقل ۱ و حداکثر ۴ است. اگر امتیاز وزنی بزرگتر از میانگین ۲/۵ باشد، سازمان از نظر عوامل درونی در مجموع دارای قوت و اگر نمره کمتر از میانگین باشد، سازمان از نظر عوامل داخلی در مجموع دچار ضعف است.

جدول ۱. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE)

وضعیت	ردیف	عوامل تاثیرگذار داخلی	وزن	امتیاز عامل	امتیاز وزنی
قوت‌ها (S)	۱	موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و بزرگی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران در منطقه	۰/۰۶	۴	۰/۲۴
	۲	عضویت در سازمان همکاری اقتصادی اگو	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	۳	روابط مطلوب ایران و ارمنستان	۰/۰۳۵	۳	۰/۱۰۵
	۴	برخورداری از قابلیت برقراری ارتباط قفقاز در قالب کریدور شمال جنوب	۰/۰۴۵	۴	۰/۱۸
	۵	موقعیت ویژه ایران در حوزه ژئوپلیتیک دریای خزر	۰/۰۵۵	۴	۰/۲۲
	۶	برخورداری از پتانسیل جمعیتی قابل ملاحظه و متنوع	۰/۰۴	۳	۰/۱۲
	۷	برخورداری از حاکمیت سیاسی مستقل و مقتدر با قدرت بازدارندگی بالا	۰/۰۵۵	۴	۰/۲۲
	۸	رویکرد سیاست خارجی ایران تاکید بر راه حلهای منطقه ای و عدم مداخلات فرامنطقه‌ای	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	۹	عضویت ناظر ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۰/۰۲۵	۳	۰/۰۷۵
	۱۰	ظرفیت‌های تولید و انتقال انرژی ایران (برق، گاز و برق)	۰/۰۳۵	۳	۰/۱۰۵
	۱۱	سابقه میراث فرهنگی و تمدنی ایران بزرگ	۰/۰۴۵	۴	۰/۱۸
	۱۲	توسعه یافتگی و ظرفیت‌های اقتصادی در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل	۰/۰۳۵	۳	۰/۱۰۵
	۱۳	همبستگی فرهنگی و زبانی با کشور آذربایجان	۰/۰۴	۳	۰/۱۲
	۱۴	تنوع مسیر ارتباطی و گذرگاه‌های مرزی ایران با قفقاز جنوبی	۰/۰۵	۴	۰/۲

جدول ۱. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE)

وضعیت	ردیف	عوامل تاثیرگذار داخلی	وزن	امتیاز عامل	امتیاز وزنی	
ضعف‌ها (W)	۱۵	دیپلماسی ضعیف و منفعلانه نست به مسایل منطقه قفقاز	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	
	۱۶	تحمیل هزینه سیاست بی طرفی کشور نست به مسایل منطقه قفقاز	۰/۰۳	۲	۰/۰۶	
	۱۷	پایین بودن سهم بازیگری ایران در مناقشات اخیر منطقه‌ای	۰/۰۳	۱	۰/۰۳	
	۱۸	وضعیت اقتصادی ناپایدار و آسیب پذیری داخلی در حوزه اقتصادی	۰/۰۵۵	۱	۰/۰۵۵	
	۱۹	کاستی و ضعف در استفاده از ظرفیت‌ها و ابزارهای فرهنگی و اجتماعی در دیپلماسی	۰/۰۳	۲	۰/۰۶	
	۲۰	ضعف سیاست‌های حمایتی و اجرایی در توسعه بومی استان‌های هم مرز با قفقاز (صنعت گردشگری و ...)	۰/۰۳	۲	۰/۰۶	
	۲۱	عدم اجماع داخلی بر سر پیگیری یک سیاست مشخص در قبال کشورهای حوزه قفقاز	۰/۰۴۵	۲	۰/۰۹	
	۲۲	عدم وجود هشداردهی در قبال تحول ژئوپلیتیکی قفقاز و غافگیری	۰/۰۵۵	۱	۰/۰۵۵	
	۲۳	ضعف دیپلماسی رسانه‌ای و عدم تعریف شبکه‌های تلویزیونی برون مرزی برای قفقاز	۰/۰۴۵	۲	۰/۰۹	
	۲۴	پیگیری نکردن دیپلماسی اندیشکده‌ای، ظرفیت نخبگان و علمای دینی	۰/۰۵۵	۲	۰/۱۱	
			جمع	۱		۲/۶۸

عدد ۲/۶۸ به دست آمده از ماتریس IFE، بیشتر از میانگین ۲/۵ بوده و بیانگر غلبه نقاط قوت بر نقاط ضعف جمهوری اسلامی ایران است.

ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE):

گام‌های تهیه این ماتریس همانند ماتریس ارزیابی عوامل داخلی تکرار می‌شود.

جدول ۲: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE)

وضعیت	ردیف	عوامل تاثیرگذار خارجی	وزن	امتیاز عامل	امتیاز وزنی
فرصت‌ها (O)	۱	فراهم بودن فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای انجام فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در منطقه	۰/۰۵	۴	۰/۲
	۲	وجود سازه‌های مشترک ژئوپلیتیکی در منطقه	۰/۰۴۵	۴	۰/۱۸
	۳	وجود بسترهای قوی صادرات محصولات و خدمات فناوری برتر ایران (نانو فناوری، بیوفناوری، فناوری اطلاعات و خدمات هوافضا)	۰/۰۵	۴	۰/۲
	۴	وجود ساختارهای پشتیبان تسهیل کننده تجارت در منطقه از قبیل پیمان‌های اقتصادی دوجانبه و منطقه‌ای مانند: اکو، اتحادیه اوراسیا	۰/۰۳۵	۳	۰/۱۰۵
	۵	وجود زیرساخت‌های مناسب مواصلاتی انرژی، ارتباطات و بازار مصرف بزرگ	۰/۰۵۵	۴	۰/۲۲
	۶	توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه انرژی، تجارت، حمل و نقل و ارتباطات	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴
	۷	ضرورت‌های بازسازی آذربایجان و ارمنستان پس از جنگ	۰/۰۴	۳	۰/۱۲
	۸	الزامات ارمنستان برای همسویی با ایران جهت سرزمینی، ضعف زیرساختی و ... نیاز بالایی به روابط اقتصادی با ایران	۰/۰۴	۳	۰/۱۲
	۹	رویکرد آذربایجان برای تنوع مسیرهای ارتباطی و خطوط انرژی	۰/۰۴	۴	۰/۱۶

جدول ۲: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE)

وضعیت	ردیف	عوامل تاثیرگذار خارجی	وزن	امتیاز عامل	امتیاز وزنی
تهدیدات (T)	۱۰	تشدید رقابت‌های سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی برخی از بازیگران فرا منطقه‌ای نظیر آمریکا	۰/۰۵۵	۱	۰/۰۵۵
	۱۱	تغییر وضعیت نظم امنیتی منطقه به نفع رقبای دشمنان ج.ا.ا	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
	۱۲	توسعه نفوذ و عمق راهبردی برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵
	۱۳	فعالیت دیدگاه‌های مرکزگرای و تجزیه‌طلب مبتنی بر پان ترکیسم	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵
	۱۴	فرسایش و تخلیه ژئوپلیتیکی ایران در حوزه انرژی و حمل و نقل (خارج کردن ایران از طرح‌های زیرساختی فرامرزی)	۰/۰۶	۱	۰/۰۶
	۱۵	افزایش قاچاق مواد مخدر، اسلحه، انسان، و فعالیت گروه‌های افراطی در منطقه	۰/۰۳۵	۲	۰/۰۷
	۱۶	تشدید اقدامات مسلحانه، انتقال خشونت‌آمیز قدرت سیاسی، کودتا، انقلاب‌های رنگی بواسطه دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای	۰/۰۲۵	۲	۰/۰۵
	۱۷	تهدید محیط زیستی، بحران آب و رژیم حقوقی کورا و ارس	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	۱۸	بوجود آمدن افکار عمومی منفی در ارمنستان به واسطه مواضع ایران در مناقشه قره‌باغ	۰/۰۳۵	۲	۰/۰۷
	۱۹	تشدید نفوذ سیاسی، ژئوپلیتیک و فرهنگی ترکیه در منطقه	۰/۰۴	۱	۰/۰۴
	۲۰	واگرایی افکار عمومی با جمهوری اسلامی متأثر از تبلیغات رسانه‌ای ضدایرانی	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵
	۲۱	گسترش ناتو به منطقه به واسطه رویکرد گرجستان	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵

جدول ۲: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE)

وضعیت	ردیف	عوامل تاثیرگذار خارجی	وزن	امتیاز عامل	امتیاز وزنی
	۲۲	رویکرد غرب در جایگزینی منابع انرژی انتقالی ایران به اروپا	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
	۲۳	تشدید فعالیت‌های اطلاعاتی، اقتصادی، سیاسی و... رژیم صهیونیستی	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
	۲۴	تغییر موازنه قدرت نظامی میان اذربایجان و ارمنستان	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
		جمع	۱		۲/۳۳

عدد ۲/۳۳ به دست آمده از ماتریس EFE، پایین تر از میانگین ۲/۵ بوده و بیانگر غلبه تهدیدات بر فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران است.

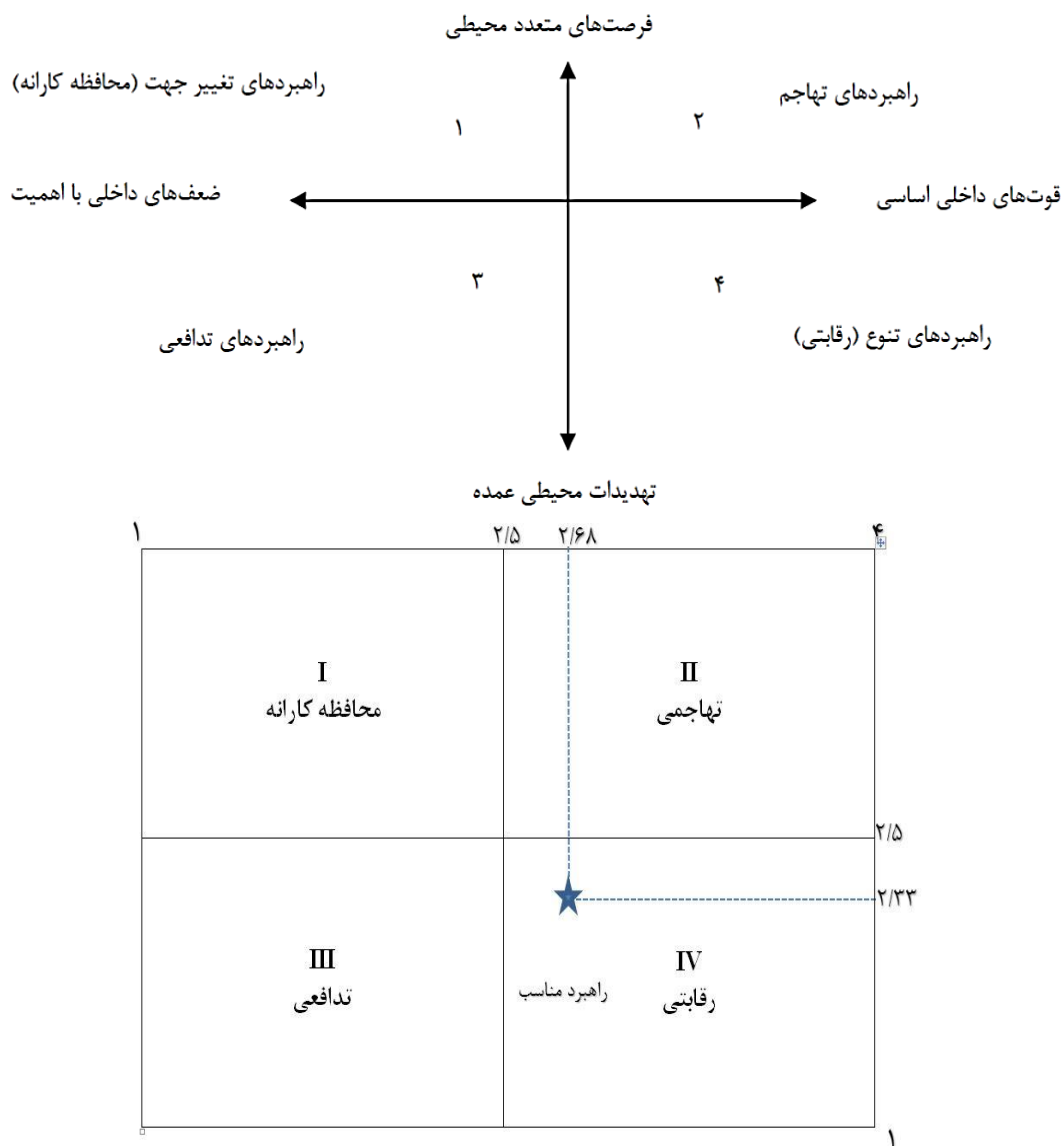
تجزیه و تحلیل ماتریس داخلی و خارجی

برای تجزیه و تحلیل همزمان عوامل داخلی و خارجی، از ماتریس داخلی و خارجی (IE) استفاده می‌شود. برای تشکیل ماتریس و مشخص کردن جایگاه سازمان و تعیین راهبردهای مناسب، نمرات حاصل از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی در ابعاد عمودی و افقی آن قرار می‌گیرد. این ماتریس منطبق بر ماتریس SWOT است و راهبردهای مناسب برای سازمان را مشخص می‌کند.

نتایج به دست آمده از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی بیانگر آن است که وضعیت جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی در حالت رقابتی قرار دارد. این وضعیت ناشی از غلبه نقاط قوت داخلی بر نقاط ضعف داخلی است. بنابراین راهبردهای مناسب برای جمهوری اسلامی ایران این است که با استفاده از نقاط قوت داخلی، تهدیدهای محیطی را کاهش دهد و یا از بین ببرد.

تدوین راهبرد به کمک SWOT

پس از شناسایی عوامل محیطی (فرصت‌ها و تهدیدها) و عوامل درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها)، آنها از ماتریس‌های EFE و IFE وارد ماتریس SWOT شده و راهبردهای ترکیبی تعیین می‌شود.



همان‌طور که از نمودار بالا پیداست، جمهوری اسلامی ایران باید از راهبردهای رقابتی استفاده نماید.

جدول شماره ۳: ماتریس SWOT جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی

<p>عوامل خارجی</p>	<p>نقاط قوت S</p>	<p>نقاط ضعف W</p>
	<p>عوامل داخلی</p>	<p>۱- موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک ۲- عضویت در سازمان همکاری اقتصادی اکو ۳- روابط مطلوب ایران و ارمنستان ۴- قابلیت برقراری ارتباط کریدور شمال جنوب ۵- موقعیت ویژه در حوزه ژئوپلیتیک دریای خزر ۶- پتانسیل جمعیتی قابل ملاحظه و متنوع ۷- حاکمیت سیاسی مستقل و مقتدر ۸- رویکرد سیاست خارجی ایران تاکید بر راه حل‌های منطقه ای و عدم مداخلات فرامنطقه ای ۹- عضویت ناظر در اتحادیه اقتصادی اوراسیا ۱۰- ظرفیت‌های تولید و انتقال انرژی ایران ۱۱- سابقه میراث فرهنگی و تمدنی ایران بزرگ ۱۲- توسعه یافتگی و ظرفیت‌های اقتصادی ۱۳- همبستگی فرهنگی و زبانی با کشور آذربایجان ۱۴- تنوع مسیر ارتباطی و گذرگاه‌های مرزی</p>
<p>فرصت‌ها O</p>	<p>استراتژی SO</p>	<p>استراتژی WO</p>
<p>۱- فرصت‌های سرمایه‌گذاری در منطقه ۲- وجود سازه‌های مشترک ژئوپلیتیکی در منطقه ۳- بسترهای قوی صادرات محصولات ۴- ساختارهای پشتیبان تسهیل کننده تجارت در منطقه ۵- زیرساخت‌های مناسب مواصلاتی انرژی و بازار ۶- توسعه همکاری‌های منطقه‌ای ۷- ضرورت بازسازی آذربایجان و ارمنستان ۸- الزامات ارمنستان برای همسویی با ایران ۹- رویکرد آذربایجان برای تنوع مسیر ارتباطی</p>	<p>S1001-7: بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در منطقه S1-5-6-11-1302: بهره‌گیری حداکثری از موقعیت ژئوپلیتیکی و تمدنی ایران در منطقه قفقاز جنوبی S2-4-9-1203-4: حضور فعال در اتحادیه‌های منطقه‌ای به منظور توسعه مطلوب اقتصادی S308: تحکیم و تقویت همکاری منطقه‌ای با ارمنستان S7-806: دیپلماسی مقتدر، پویا و مبتنی بر همکاری‌های منطقه‌ای S1409: بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های مهندسی و دفاعی به منظور ایجاد بهترین مسیر ارتباطی منطقه قفقاز از طریق ایران</p>	<p>W1-2-3-501-2-7: استراتژی عدم مداخله در مناقشات با رویکرد حداقل آسیب‌پذیری W403-4-9: هوشیاری در شکار فرصت‌ها با توجه به وضعیت اقتصادی کشور و تحقق منافع حداقلی و کاهش تبعات برای ج.ا.ایران W5-606: رفع موانع و توسعه تدریجی ظرفیت‌های بومی استان‌های مرزی و ایجاد بازارچه‌ها و همکاری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری</p>

<p>تهدیدات T</p> <p>۱- تشدید رقابت بازیگران فرامنطقه‌ای</p> <p>۲- تغییر نظم امنیتی منطقه به نفع رقبا</p> <p>۳- توسعه نفوذ و عمق راهبردی برخی از بازیگران</p> <p>۴- فعالیت دیدگاه‌های مرکزگرای مبتنی بر پان ترکیسم</p> <p>۵- فرسایش و تخلیه ژئوپلیتیکی ایران</p> <p>۶- افزایش فعالیت گروه‌های افراطی در منطقه</p> <p>۷- تشدید دخالت قدرتهای فرامنطقه‌ای</p> <p>۸- تهدید محیط زیستی، بحران آب</p> <p>۹- افکار عمومی منفی ارمنستان نسبت به ایران</p> <p>۱۰- تشدید نفوذ ترکیه در منطقه</p> <p>۱۱- واگرایی افکار عمومی نسبت به ایران</p> <p>۱۲- گسترش ناتو در منطقه به واسطه گرجستان</p> <p>۱۳- جایگزینی منابع انرژی انتقالی ایران به اروپا</p> <p>۱۴- تشدید فعالیت‌های رژیم صهیونیستی</p> <p>۱۵- تغییر موازنه قدرت نظامی میان آذربایجان و ارمنستان</p>	<p>استراتژی ST</p> <p>15-10-8-5-3-2-T1-13-8-S1: دیپلماسی فعال و پویای منطقه‌ای به منظور گسترش عمق نفوذ و کاهش و تعدیل قدرت رقبا</p> <p>12-6-4-9-T4-3-7-S2: دیپلماسی دفاعی-امنیتی کارآمد و تاکید بر همکاری دفاعی مستمر منطقه‌ای بدون حضور کشورها و قدرت‌های فرا منطقه‌ای</p> <p>14-T14-6-S5: گسترش و تحکیم محور مقاومت در منطقه</p> <p>11-9-T9-12-S11: توسعه قدرت رسانه‌ای به منظور معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی و ظرفیت‌های گردشگری</p> <p>13-T13-10-4-S4: بهره‌برداری از زیرساخت‌ها، توان فنی مهندسی و مراکز مطالعاتی و دانشگاهی در توسعه مسیر انتقال انرژی منطقه قفقاز جنوبی</p>	<p>استراتژی WT</p> <p>13-5-4-2-W1: تداوم دیپلماسی موجود با تحقق منافع حداقلی رقبا، کنترل اوضاع و کاهش تبعات برای ج.ا.ایران</p> <p>14-12-7-3-T1-8-7-W3: پذیرش تحقق منافع حداکثری رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بیشینه تبعات برای ج.ا.ایران</p> <p>10-T4-8-W8: تداوم وضع موجود با تحقق منافع حداکثری ترکیه و بیشینه تبعات برای ج.ا.ایران</p> <p>11-T9-9-W9: توسعه کند و تدریجی دیپلماسی رسانه‌ای</p> <p>10-T4-8-W8: کم توجهی به دیپلماسی اندیشکده‌ای، ظرفیت نخبگان و علمای دینی</p>
--	--	--

تشکیل ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی (QSPM)

با توجه به ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، راهبردهایی که باید مورد توجه قرار گیرند، راهبردهای ST (استفاده از نقاط قوت سازمان برای جلوگیری از مواجهه با تهدیدها) است. حال با تشکیل ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی (QSPM)، راهبردهای موجود در خانه ST ماتریس SWOT اولویت‌بندی می‌شود.

فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی و قوت‌ها و ضعف‌های داخلی در ستون راست QSPM فهرست می‌شود. سپس در ستون دوم امتیازات هر یک از این عوامل بحرانی موفقیت، با توجه به ماتریس EFE و IFE وارد می‌شود.

راهبردهای شدنی و قابل اجرا یا همان راهبردهای ترکیبی ST که هدف اولویت‌بندی آنهاست - در ردیف بالای ماتریس QSPM نوشته می‌شود. هر راهبرد شامل دو ستون، نمره جذابیت و جذابیت راهبرد است. براساس میزان تأثیر و جذابیت هر عامل داخلی و خارجی، نمره‌ای بین ۱ تا ۴ به راهبرد مربوطه اختصاص داده می‌شود که به آن نمره جذابیت گفته می‌شود. در صورتی که عامل مورد نظر تأثیری در تدوین یا انتخاب راهبرد نداشته باشد، نمره بی‌تفاوتی یا صفر به آن تعلق خواهد گرفت. با ضرب وزن هر عامل در نمره جذابیت، جذابیت راهبرد محاسبه می‌شود. برای به‌دست آمدن جذابیت کل هر راهبرد، اعداد ستون جذابیت هر راهبرد جمع می‌شود. راهبردها براساس نمره به‌دست آمده از جذابیت کل هر راهبرد، از بیشترین نمره تا کمترین نمره اولویت‌بندی می‌شوند.

جدول ۴: ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی

وضعیت	وزن	شرح	راهبرد ۱		راهبرد ۲		راهبرد ۳		راهبرد ۴		راهبرد ۵	
			امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب
م ن و	۰/۰۶	موقعیت ممتاز ژئوپلتیک	۰/۲۴	۴	۰/۲۴	۴	۰/۲۴	۴	۰/۲۴	۴	۰/۲۴	۴
	۰/۰۳	عضویت در سازمان همکاری اقتصادی اکو	۰/۱۲	۴	۰/۰۹	۳	۰/۰۹	۳	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴
	۰/۰۳۵	روابط مطلوب ایران و ارمنستان	۰/۱۴	۴	۰/۱۴	۴	۰/۱۴	۴	۰/۱۴	۴	۰/۱۴	۴

جدول ۴: ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی

وضعیت	وزن	شرح	راهبرد ۱		راهبرد ۲		راهبرد ۳		راهبرد ۴		راهبرد ۵	
			امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب
	۰/۰۴۵	قابلیت برقراری ارتباط کریدور شمال جنوب	۰/۱۸	۴	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴
	۰/۰۵۵	موقعیت ویژه در حوزه ژئوپلتیک دریای خزر	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴
	۰/۰۴	پتانسیل جمعیتی قابل ملاحظه و متنوع	۰/۱۲	۳	۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۳	۰/۱۲	۳
	۰/۰۵۵	حاکمیت سیاسی مستقل و مقتدر	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴

جدول ۴: ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی

راهبرد ۵		راهبرد ۴		راهبرد ۳		راهبرد ۲		راهبرد ۱		شرح	وزن	وضعیت
امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب			
۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴	رویکرد سیاست خارجی ایران تاکید بر راه حل‌های منطقه‌ای و عدم مداخلات فرامنطقه‌ای	۰/۰۳	
۰/۱	۴	۰/۱	۴	۰/۰۷۵	۳	۰/۰۷۵	۳	۰/۱	۴	عضویت ناظر در اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۰/۰۲۵	
۰/۱۴	۴	۰/۱۴	۴	۰/۱۰۵	۳	۰/۱۰۵	۳	۰/۱۴	۴	ظرفیت‌های تولید و انتقال انرژی ایران	۰/۰۳۵	
۰/۱۳۵	۳	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۸	۴	سابقه میراث فرهنگی و تمدنی ایران بزرگ	۰/۰۴۵	
۰/۱۴	۴	۰/۱۴	۴	۰/۱۰۵	۳	۰/۱۰۵	۳	۰/۱۴	۴	توسعه یافتگی و ظرفیت‌های اقتصادی	۰/۰۳۵	

جدول ۴: ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی

وضعیت	وزن	شرح	راهبرد ۱		راهبرد ۲		راهبرد ۳		راهبرد ۴		راهبرد ۵	
			امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب
	۰/۰۴	همبستگی فرهنگی و زبانی با کشور آذربایجان	۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۴
	۰/۰۵	تنوع مسیر ارتباطی و گذرگاه‌های مرزی	۰/۲	۴	۰/۱۵	۳	۰/۲	۴	۰/۲	۴	۰/۲	۴
ضعف‌ها	۰/۰۴۵	دیپلماسی ضعیف و منفعلانه	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۳	۰/۱۳۵	۴	۰/۱۸	۳
	۰/۰۳	بی‌طرفی کشور نسبت به مسایل قفقاز	۰/۰۹	۳	۰/۱۲	۴	۰/۰۹	۳	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴
	۰/۰۳	پایین بودن سهم بازیگری در مناقشات اخیر	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴
	۰/۰۵۵	آسیب‌پذیری داخلی در حوزه اقتصادی	۰/۱۶۵	۳	۰/۱۶۵	۳	۰/۱۶۵	۳	۰/۱۶۵	۳	۰/۲۲	۴

جدول ۴: ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی

وضعیت	وزن	شرح	راهبرد ۱		راهبرد ۲		راهبرد ۳		راهبرد ۴		راهبرد ۵	
			امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب
	۰/۰۳	ضعف در استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴	۰/۰۹	۳
	۰/۰۳	ضعف توسعه بومی استان‌های هم مرز قفقاز	۰/۰۹	۳	۰/۱۲	۴	۰/۰۹	۳	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴
	۰/۰۴۵	عدم اجماع داخلی در سیاست مشخص در قبال کشورهای حوزه قفقاز	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴
	۰/۰۵۵	عدم وجود هشداردهی در قبال تحول ژئوپلیتیکی قفقاز و غافگیری	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴	۰/۱۶۵	۳
	۰/۰۴۵	ضعف دیپلماسی رسانه‌ای	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۳۵	۳

جدول ۴: ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی

وضعیت	وزن	شرح	راهبرد ۱		راهبرد ۲		راهبرد ۳		راهبرد ۴		راهبرد ۵	
			امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب
	۰/۰۵۵	پیگیری نکردن دیپلماسی اندیشکده‌ای، ظرفیت نخبگان و علمای دینی	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴	۰/۲۲	۴	۰/۱۶۵	۳	۰/۱۶۵	۳
جمع	۱		۳/۸۴۵		۳/۶۸		۳/۷۱۵		۳/۸۵		۳/۶۸۵	

وضعیت	وزن	شرح	راهبرد ۱		راهبرد ۲		راهبرد ۳		راهبرد ۴		راهبرد ۵	
			امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب
توسعه	۰/۰۵	فرصت‌های سرمایه‌گذاری در منطقه	۰/۲	۴	۰/۱۵	۳	۰/۱	۲	۰/۲	۴	۰/۲	۴
	۰/۰۴۵	وجود سازه‌های مشترک ژئوپلیتیکی در منطقه	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۸	۴
	۰/۰۵	بسترهای قوی صادرات محصولات	۰/۱۵	۳	۰/۱	۲	۰/۱	۲	۰/۲	۴	۰/۲	۴
	۰/۰۳۵	ساختارهای پشتیبان تسهیل‌کننده تجارت در منطقه	۰/۱۰۵	۳	۰/۰۷	۲	۰/۰۷	۲	۰/۱۰۵	۳	۰/۱۴	۴

راهبرد ۵		راهبرد ۴		راهبرد ۳		راهبرد ۲		راهبرد ۱		شرح	وزن	وضعیت
امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب			
۰/۲۲	۴	۰/۱۶۵	۳	۰/۱۱	۲	۰/۱۶۵	۳	۰/۲۲	۴	زیرساخت‌های مناسب مواصلاتی انرژی و بازار مصرف بزرگ	۰/۰۵۵	
۰/۱۴	۴	۰/۱۴	۴	۰/۱۴	۴	۰/۱۰۵	۳	۰/۱۴	۴	توسعه همکاری‌های منطقه‌ای	۰/۰۳۵	
۰/۱۶	۴	۰/۱۲	۳	۰/۱۶	۴	۰/۱۲	۳	۰/۱۶	۴	ضرورت بازسازی آذربایجان و ارمنستان	۰/۰۴	
۰/۱۶	۴	۰/۱۲	۳	۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۴	الزامات ارمنستان برای همسویی با ایران	۰/۰۴	
۰/۱۶	۴	۰/۱۲	۳	۰/۱۲	۳	۰/۱۲	۳	۰/۱۶	۴	رویکرد آذربایجان برای تنوع مسیر ارتباطی	۰/۰۴	
۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۴	۰/۱۲	۳	تغییر نظم امنیتی منطقه به نفع رقبا	۰/۰۴	
۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	توسعه نفوذ و عمق راهبردی برخی از بازیگران	۰/۰۴۵	تهادین
۰/۲۴	۴	۰/۲۴	۴	۰/۲۴	۴	۰/۲۴	۴	۰/۲۴	۴	فرسایش و تخلیه ژئوپلیتیکی ایران	۰/۰۶	

وضعیت	وزن	شرح	راهبرد ۱		راهبرد ۲		راهبرد ۳		راهبرد ۴		راهبرد ۵	
			امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب	امتیاز	ضریب
	۰/۰۳۵	افزایش فعالیت گروه‌های افراطی در منطقه	۰/۰۷	۲	۰/۱۴	۴	۰/۱۴	۴	۰/۱۰۵	۳	۰/۱۰۵	۳
	۰/۰۲۵	تشدید دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای	۰/۱	۴	۰/۱	۴	۰/۱	۴	۰/۱	۴	۰/۱	۴
	۰/۰۳	تهدید محیط زیستی، بحران آب	۰/۰۶	۲	۰/۰۶	۲	۰/۰۶	۲	۰/۰۶	۲	۰/۰۶	۲
	۰/۰۳۵	افکار عمومی منفی ارمنستان نسبت به ایران	۰/۱۰۵	۳	۰/۱۰۵	۳	۰/۱۰۵	۳	۰/۱۴	۴	۰/۱۰۵	۳
	۰/۰۴۵	واگرایی افکار عمومی نسبت به ایران	۰/۱۸	۴	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۸	۴	۰/۱۳۵	۳
	۰/۰۴۵	گسترش ناتو در منطقه به واسطه گرجستان	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۳۵	۳
	۰/۰۴	جایگزینی منابع انرژی انتقالی ایران به اروپا	۰/۱۲	۳	۰/۱۲	۳	۰/۱۲	۳	۰/۱۲	۳	۰/۱۲	۳
	۰/۰۳	تغییر موازنه قدرت نظامی میان آذربایجان و ارمنستان	۰/۰۹	۳	۰/۱۲	۴	۰/۱۲	۴	۰/۰۹	۳	۰/۰۹	۳
جمع	۱		۳/۶۴		۳/۳۴۵		۳/۴		۳/۴۹۵		۳/۷۴	

ضریب جذابیت

۱= قابل قبول نیست؛

۲= می توان قبول کرد؛

۳= احتمالاً قابل قبول باشد؛

۴= بسیار قابل قبول.

مجموع امتیازات راهبردها

راهبرد ۵	راهبرد ۴	راهبرد ۳	راهبرد ۲	راهبرد ۱	ردیف
۷/۴۲۵	۷/۳۴۵	۷/۱۱۵	۷/۰۲۵	۷/۴۸۵	امتیاز

بنابراین اولویت انتخاب راهبردها با روش QSPM به شرح جدول ذیل است:

جدول ۵: اولویت راهبردها

اولویت راهبردها	مجموع امتیاز	راهبردهای کلی	ردیف
۱	۷/۴۸۵	دیپلماسی فعال و پویای منطقه‌ای به منظور گسترش عمق نفوذ و کاهش و تعدیل قدرت رقبا	۱
۲	۷/۴۲۵	بهره‌برداری از زیرساخت‌ها، توان فنی مهندسی و مراکز مطالعاتی و دانشگاهی در توسعه مسیر انتقال انرژی منطقه قفقاز جنوبی	۲
۳	۷/۳۴۵	توسعه قدرت رسانه‌ای به منظور معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی و ظرفیت‌های گردشگری	۳
۴	۷/۱۱۵	گسترش و تحکیم محور مقاومت در منطقه	۴
۵	۷/۰۲۵	دیپلماسی دفاعی - امنیتی کارآمد و تاکید بر همکاری دفاعی مستمر منطقه‌ای بدون حضور کشورها و قدرت‌های فرا منطقه‌ای	۵

نتیجه‌گیری

جایگاه رقابتی حاصل از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی برای جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران باید با تقویت بیشتر نقاط قوت بتواند از تهدیدهای محیطی جلوگیری نماید و نسبت به رصد مداوم منطقه و رقابت با بازیگران

منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حاضر در منطقه اقدام نماید. واکنش انفعالی در این منطقه بسیار حساس، موجب از دست رفتن فرصت‌ها و بروز تهدیدات از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای خواهد شد.

با تاکید بر اتخاذ راهبردهای منعطف در حوزه‌های اقتصادی، دیپلماتیک، سیاسی، روابط خارجی و فرهنگی در جهت بهبود سیاست خارجی منطقه‌گرایی ج.ا.ایران در قفقاز که در این ساختار، رویکردهای متفاوتی در قلمرو ژئوپلیتیکی اوراسیایی ایران اعمال خواهد شد. پافشاری در سیاست‌های اصولی و مستقل ج.ا.ایران و پرهیز از انفعال، مقابله با هرگونه تغییر جغرافیایی و ژئوپلیتیکی بدون در نظر گرفتن منافع ج.ا.ایران (در این راستا و برای کاهش تبعات مناقشه اخیر آذربایجان و ارمنستان و احداث احتمالی کریدور جنوبی، می‌توان مسیر جایگزین لاجین (قره باغ) - گوریس (ارمنستان) - شاهبوز (نخجوان) را به روسیه و ارمنستان پیشنهاد داد.)، ممانعت فعال از حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در محیط پیرامونی ج.ا.ایران، ممانعت فعال از جاگیری و فعالیت عناصر تروریست سلفی و تغییر بافت آن سوی مرز، تلاش برای ایفای نقش ناظر بر اجرای آتش‌بس با توجه به هم‌مرز بودن با مناطق مناقشه‌ناهن و اعزام نیروهای حافظ صلح ج.ا.ایران، بازنگری در سیاست‌های ج.ا.ایران در قبال باکو، ترکیه و ایروان، برنامه‌ریزی برای تحقق منافع حداکثری ج.ا.ایران در تحدید حدود دریای خزر، فعال کردن دیپلماسی پویا با روسیه در این حوزه، پیام مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در بازگرداندن سرزمین قره باغ به ج.ا.ایران از طریق دیپلماسی رسمی و عمومی پیشنهاد می‌گردد.

فهرست منابع

- آبادیان، حسین، (۱۳۸۰). *روایت ایرانی جنگ‌های ایران و روس*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ابراهیمی کبابی، هادی، زارعی کمال (۱۳۹۹). *تقابل راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز*. تهران: فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۲
- افشردی، محمد حسین، (۱۳۸۱). *ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات دعا.
- افشردی، محمد حسین، حامد بابایی، موسی، (۱۳۹۵). «تاثیر عوامل ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی در انتخاب راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۶۴
- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۷۶). *تحلیل ژئوپلیتیکی بحران‌های منطقه قفقاز*، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، رساله دکتری.
- بختیاری، سعید، (۱۳۹۳). *اطلس جامع گیتاشناسی*، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی.
- تهامی، مجتبی، (۱۳۷۶). *امنیت ملی، دکترین و سیاست‌های دفاعی و امنیتی*، تهران: دانشگاه عالی دفاعی ملی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵). *مبانی مطالعات سیاسی و اجتماعی*، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، (۱۳۸۹). *کتاب سبز آذربایجان، ارمنستان تهران: مرکز چاپ و انتشار وزارت خارجه*.
- سیف‌زاده، سید حسین، (۱۳۷۸). «*قفقاز و تراژدی لاینحل هویت ملی*»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۷.
- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۷). *ژئواستراتژی در قرن بیست و یکم*، تهران: انتشارات سمت.
- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۰). *ژئوپلیتیک*، تهران: انتشارات سمت.
- فلاحی، احسان، امید، علی (۱۳۹۷). «*سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی، تهاجمی یا تدافعی؟*»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۱، شماره ۲
- هادی پور، میثم (۱۳۹۹). *تحلیل سیاست خارجی روسیه در قفقاز جنوبی بر پایه ژئوژئوپلیتیک*، تهران: مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۳۱، شماره ۲
- کاظم زاده، حسین، (۱۳۷۴). *قفقاز از دیرباز تا به امروز*، تهران: انتشارات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- کالینز، جان ام، (۱۳۸۳). *استراتژی بزرگ*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کلاتری، فتح‌الله، کاویانی فر، پیمان، (۱۳۹۹). «*اولویت‌بندی تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از راه قفقاز جنوبی: راهبردها و راهکارها*»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۳، شماره ۲.
- کمالی، علی؛ آقاسینی، علیرضا؛ مسعودنیا، حسین و شهرام نیا، امیرمسعود (۱۳۹۸). «*تحلیل نظری چندپارگی هویت به مثابه بحرانی جامعه شناختی (مطالعه موردی: رژیم صهیونیستی)*»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱۵ (۱)
- (۱۳۸۹). «*جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی*»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول
- ماهریان، فریبرز، (۱۳۸۷). *ارمنستان*، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.

موسوی، سید رسول، (۱۳۸۴). «تحولات امنیتی و نظامی آسیای مرکزی و قفقاز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۹.

هاشمی، مصطفی، قربانی نژاد، ریواز، یزدان‌پناه، کیومرث، نامی، محمدحسین، (۱۳۹۹). «راهبردهای منطقه‌گرایی ایران در قفقاز در برابر روسیه بر اساس تئوری بازی‌ها»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال پانزدهم، شماره ۶۷.

هانتیگتون، ساموئل، (۱۳۸۱). کتاب موج سوم، تهران: انتشارات نشر نی.

Gray, Colin S. (1986). *Maritime Strategy and the Defense of the West*. New York: Rampo Press.

Cohen, Saul.B.(1994). *Geopolitics in the New World Era*. Chapter 2 from *Reordering The World*

